

ماهیت و واقعیت

نهضت جنگل

سید نوری کیافر

سیرشناسه	: کیافر، نوری، ۱۳۱۱
عنوان و نام پدیدآور	: ماهیت و واقعیت نهضت جنگل/نوری کیافر.
مشخصات نشر	: رشت، نستوه، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۹۶ ص.
شابک	: 978-600-5409-10-9
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۹۴-۲۹۶.
موضوع	: میرزا کوچک خان، یونس بن میرزا بزرگ، ۱۲۹۸-۱۳۴۰ق.
موضوع	: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق. -- جنبش‌ها و قیام‌ها
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۴۷۱/ک۹۴م۲ ۱۳۸۹
رده‌بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۵۲۰۴۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۹۹۹۷۱۱



آدرس: رشت - میدان فرهنگ - خیابان آزادگان - پلاک ۶۸ تلفکس: ۳۲۲۸۹۳۳

Email: nastohpublish@yahoo.com

تمام کتساب: ماهیت و واقعیت نهضت جنگل
 مؤلف: سید نوری کیافر
 ناشر: انتشارات نستوه
 نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳
 تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
 ناظر چاپ: سامان خسروی
 حروفچینی: مسعود علیزاده
 طرح جلد: نستوه
 لیتوگرافی: همراهان
 چاپ و صحافی: چاپ توکل
 قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۴۰۹-۱۰

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ است.

فهرست مطالب

۹	توضیحی بر این گفتار
۱۹	پیش گفتار
۲۷	فصل اول
۲۷	آرمان خواهان نهضت جنگل
۳۷	تعریف و تحلیلی از تاریخ
۴۹	
۴۹	کوچک جنگلی (میرزا کوچک رشتی)
۸۰	دکتر ابراهیم حشمت طالقانی
۹۲	حاج احمد کسمائی
۱۰۵	خالو قربان هرسینی
۱۰۹	احسان اله خان دوستدار (ساروی)
۱۱۷	حسن خان کیش دره‌ای
۱۲۵	میرزا احسین خان کسمائی
۱۳۵	محمد علی خمایی (گیلک)
۱۳۸	حاج محمد جعفر کنگاوری
۱۴۰	محمد علی پیربازاری
۱۴۳	حیدر عمو اوغلی آذری
۱۵۳	گائوک آلمانی

۱۵۹	سید جلال چمنی
۱۶۱	شیخ بهاء الدین املشی (میزان)
۱۶۷	فصل دوم
۱۶۷	اتحاد اسلام
۱۷۲	علل پیدایش و چگونگی قیام
۱۷۴	هجوم به ایران و اخراج شوستر
۱۸۴	دوره اول نهضت
۱۹۳	روسیه شوروی و نهضت جنگل
۱۹۴	کمیسر امور خارجه ترستکی
۱۹۶	انگلیس و نهضت جنگل
۲۰۲	متن پروتکل صفه سر
۲۱۴	دوره دوم نهضت جنگل
۲۲۴	اعلام جمهوری شوروی
۲۳۶	انشقاق در حکومت جمهوری
۲۶۰	دوره سوم نهضت جنگل
۲۶۳	غوغای تهران
۲۶۶	فتح الله خان اکبر (سپه دار اعظم رشتی)
۲۶۹	سید ضیاء الدین و نهضت جنگل
۲۷۸	قوام السلطنه و نهضت جنگل
۲۸۰	نامه ای از روتشتین به کوچک جنگلی
۲۸۷	سرانجام غم انگیز
۲۹۵	منابع
۲۹۶	از همین نویسنده:

توضیحی بر این گفتار

در سال ۱۳۷۷ برای برپایی کنگره‌ای شایسته در خور شأن کوچک جنگلی و برای تجلیل از نهضت جنگل از طرف اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان از اندیشمندان و پژوهشگران دعوت عام و فراخوانی بعمل آمده بود.

نگارنده نیز به سیره تعلقاتی که از نظر روحی و اجتماعی و احساس تعهدی که داشتم با تمام بضاعت مزجات نوشته‌ای در ۳۶۵ صفحه با عنوان (ماهیت و واقعیت نهضت جنگل) تهیه و در تاریخ یازدهم اسفند ۱۳۷۷ تقدیم دفتر کمیته علمی کنگره نموده سپس عین دست‌نوشته در تاریخ شانزدهم اسفند ۱۳۷۷ تحویل انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تهران گردید. آن‌گاه قراردادی جهت چاپ نوشته فوق بصورت کتاب در پنج نسخه با مقام محترم مدیریت کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گیلان منعقد و به امضاء رسید.

بعلت مشکلات اداری و ... چاپ و نشر کتاب صورت نگرفت و پس از مذاکرات و مکاتبات بالاخره در تاریخ هفتم خرداد ۱۳۸۶ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان طی نام‌رسمی اختیار چاپ و نشر کتاب را مطابق ضوابط مربوط در اختیار نگارنده گذاشت، مطالب فوق را جهت مزید استحضار بابت تاخیر در چاپ کتاب بمرض رساندم.

بی‌شک نگرش تحلیلی در چند و چون نهضت جنگل برای درک واقعیت و ماهیت آن و علل تشکیل و سبب شکست آن نه تنها لازم و ضروری است بلکه امری اجباری برای هر ایرانی پاک‌نهاد و میهن‌دوست است.

زیرا کسب تجربه تاریخی برای نسل جوانی که پاسدار میراث ارزنده ملت و ادامه

دهنده‌ی آن بسوی والائی و بالندگی است همان ارزش را دارد که آزمایشگاه برای دانشمندان و نخبگان برنا و پویا.

از سوی دیگر اگر ذغال و نفت و برق و اتم نیروی محرکه صنعت است، جوانان همه‌ی کشور نیز نیروی محرکه تاریخ مردم خود هستند. به همین جهت دانشوران با قاطعیت اعلام می‌دارند که هویت هر ملت تنها در ستایش عرفانی از یک مشت خاک نیست بلکه حریم حرمت انسان‌هایی است که با نیروی اندیشه و عمل خود موجب شکستن سدهای تاریکی جهت زایش و تابش روشنائی شده‌اند. یعنی با نیروی اندیشه و بازوی خود موجب آفرینش هویت می‌شوند. «گفته اندیشمند سترک آلمانی به مناسبتی گفته بود: "هستی واقعی انسان در وهله نخست عمل اوست". بر این اساس باید دید پیشوایان و بنیانگذاران نهضت جنگل چه کسانی بودند و چه کردند و چه می‌توانستند باشند.

اگرچه بعضی از جامعه‌شناسان می‌گویند تاریخ مانند انرژی برگشت ناپذیر و امری جبری است اما «آریل» اعتقاد داشت که اگر تاریخ درست نوشته شود ما را بهتر از مسائل فلسفی و روانشناسی رهبری می‌کند.

این یک حکم دقیق و ظریفی است زیرا هتک حرمت و جعل واقعیت همواره در تاریخ نمودهای وحشتناکی داشته است. به گونه‌ای که یک واقعیت در انبوه واژه‌ها و جمله پردازی‌ها آنچنان قلب ماهیت می‌دهد که بازشناسی آن غیر ممکن می‌گردد بطور مثال هنوز بسیار کسان نتوانسته‌اند ماهیت حرکت کثوماتای مخ را بعد از کوروش هخامنشی که توانست هفت‌ماه به نام بردیا سلطنت و فرمانروائی کند و موجب تغییراتی در جامعه شود آنطور که بود بازشناسی کنند.

بر این اساس هرگز نباید گرایش‌ها، بغض‌ها، مزدگیری‌ها، و وظیفه‌خوری‌ها را ندیده گرفت، باید همواره با دقت و سواس‌آمیز به همه‌ی بندگان مال و منال و بردگان جاه و جلال و عناوین و القاب توجه مضاعف معطوف داشت.

به همین دلیل پژوهشگران بصیر با دلیری اعلام می‌دارند که برای کشف حقیقت باید در متن نوشته‌ها به کاوش و جویش پرداخت تا وجدان بشریت در تاریخ آسیب نبیند.

البته در این زمینه مورخان با باستان‌شناسان وجوه مشترک فراوانی دارند زیرا هر دو برای پیدا کردن واقعیت و حقیقت به کاوش می‌پردازند. یکی با کلنگ دل زمین را می‌کاود و دیگری با نوک قلم متون نوشته‌ها را زیر و رو می‌کند ولی آنچه باستان‌شناس از دل خاک

بیرون می آورد تمام واقعیت یا حقیقت است حال چه کاسه درسته و کوزه شکسته‌ای باشد یا شمشیر زنگ‌زده و سکه‌زننگار گرفته‌ای ولی نوشته‌های تاریخی عکس آنها هستند.

از این روی کار مورخ ظریف‌تر و دقیق‌تر و سهمگین‌تر است زیرا اندک غفلت در درک واقعیت موجب گمراهی نسل‌ها در درک حقیقت است و این گناهی است بزرگ که هیچ وجدان بیداری گناه آن را به گردن نمی‌گیرد و در عین حال هر پژوهنده آگاه و عادل که تنها وظیفه‌اش معلوم کردن هر مجهول است باید این توانائی را داشته باشد که با مخالفان عقیدتی خود به گفت و شنود آزاد و سرشار از احترام جهت کشف حقیقت شرافت‌مندانه بنشیند. بررسی کمی و کیفی نهضت یا جنبش جنگل که هنوز از نظر عمق و وسعت کالبدشکافی نشده، نقاط مبهم بسیاری در آن نهفته است. روشن کردن این ابهام‌ها می‌تواند برای مردم ایران عبرت‌آموز و تجربه‌اندوژی باشد زیرا تاریخ چیزی جز معرفت تجربی نیست، جا دارد دانشوران تیزبین بدون گرایش و به دور از هر نوع ستایش و آویختن به اوهام و اشباح با تکیه بر واقعیات به تحلیل بنشینند تا محرکی در راه بازآفرینی ارزش‌های اجتماعی و ارج نهادن به تکاپوی میراث‌گذاران جهت زایش فرهنگی‌پویا و کارا موفق باشند. زیرا برای اولین بار یک جنبش چریکی در یکی از حساس‌ترین برهه زمانی در گوشه‌ای از ایران نصیح گرفت و توانست قشرهای گوناگون متضاد طبقات اجتماعی را در درون خود با نام اتحاداسلام گردآورد و سپس در کنار اولین حکومت انقلابی و سوسیالیستی جهانی پرچم استقلال حکومتی را به اهتزاز در آورد که عنوان جمهوری شوروی داشته است.

این حکومت که یک جبهه متحده ضد استبداد و ضد استعمار بود صحنه‌های شگفت‌انگیزی از ظرفیت روانی قشرها و طبقات متضاد اعم از دهقان و مالک و روشنفکران رادیکال و خداپرستان پارسا و مادی‌گرایان لیبرال و معتقدان به حکومت لائیک و سرمایه‌داران و کارگران مزدور را در خود متمرکز کند.

آری این کانون که آزمایشگاهی از لحاظ روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناختی سیاسی بود می‌تواند بستری برای درس‌آموزی در سطح ملی و جهانی باشد زیرا همه چیز در این کانون خیلی عریان به نوبت خود را نشان داده بود، از فرصت طلبی ردیالانه و جاه‌طلبی آزمندانه و شریرانه تا دسیسه‌گری مودبانه و خائنانانه و سادگی پارسایانه و فداکارانه، از شتابزدگی و افراطی‌گری تا فرصت‌سوزی‌های محتاطانه تا بدانگونه که یکی از برجسته‌ترین و پرشورترین و انقلابی‌ترین مبارزان نهضت «سر بریده، رهبر نهضت را» زیر پای سر سخت‌ترین

دشمن نهضت یعنی رضاخان میرپنج افکند.

البته درست است که در گنجینه تاریخ میراث‌های پر ارزش نهفته است که هر ملت حتی هر فرد خردمند اگر بخواهد در زمان زندگی کند ناگزیر از دسترسی به آنها است زیرا حیات اجتماعی همواره در ابعاد و سطوح گوناگون آن جریان دارد به گونه‌ای که از هر پدیده تصویری و علامتی در گوشه و کنار آن به چشم می‌خورد و هر آنکس که جوای زندگی درخشان‌تر و آسوده‌تر است باید در این پهنه حیات دقیقی درنگ کند تا با خوشه‌چینی از این خرمن زندگی به ساختن خود بقدر همت و لیاقت خود بهره‌مند شود، به قول آن شاعر تیزبین:

کار نه این گنبد گردان کند هرچه کند همت مردان کند

باز هم درست است که در یک جریان وسیع اجتماعی که بنا بضرورت در جامعه پدیدار می‌گردد همه نوع مردم و گروه‌ها به امیدهایی که می‌شناسند به آن روی می‌آورند. ولی اگر رهبری نتواند از زیرکی و هوشمندی لازم در جهت پیشبرد و تحقق آرمان برخوردار باشد، نهضت دچار رکود و آفت‌زدگی و لاجرم انحراف خواهد شد که بهای سنگین و سهمگین آن آزار دهنده و جبران‌ناپذیر خواهد بود.

این تجربه‌ایست که بارها و بارها در بستر تاریخ نمودار شده است، اینکه پیشوای سترک مذهب ما علی (علیه السلام) می‌فرماید: "تجربه از علم بالاتر است". بیانگر عظمت و اهمیت آن در حیات اجتماعی است.

اگرچه پارسی‌گوی بزرگ ایران به نیکوئی می‌سراید:

مرد خردمند و خرد پیشه‌را عمر و بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن یادگیری تجربه بردن بکار

با تمام اعتبار و ارزش والای این کلام، اگر قرار باشد هر نسل انسانی در هر مرحله و مقطع تاریخی برای برخورداری از نتایج مثبت آن خود تجربه‌اندوزی کند حرکت جامعه راکد و ساکت خواهد بود که این خود مغایر با روند تکاملی تاریخ است از این روی برای ساختن جامعه متناسب با شئون انسانی باید با استفاده از تجربیات تاریخی دانش‌اندوزی کرد ولی هنوز بسیار کسان در گوشه کنار ایران از خود و دیگران می‌پرسند نهضت جنگل چه بود و کوچک‌جنگلی که بود؟

بی‌شک جواب این سؤال برای اهل خرد روشن است ولی نسل جوان که آینده در

نیروی اندیشه و بازوان آنان موج می‌زند و شکل می‌گیرد هنوز از عمق و وسعت این تجربه‌ی پُربهای تاریخی آگاه نیستند.

به همین جهت باید دست‌انکاران مسائل تاریخی با دستمایه‌های تحلیلی به روشنگری بنشینند تا نهضت جنگل و پیشوای سر باخته آن که از طیف‌های مختلف اجتماعی اعم از «ملّی - مذهبی - مسلکی» در پیرامون آن حرف و حدیث گفته، به گونه‌ای که چهره واقعی آن در انبوه داوری‌ها گم شده است بازشناسی شود.

شک نیست که اگر کوچک جنگلی که سر در راه تحقق آرمانش نهاد مانند سایر رهبران نهضت دستگیر یا زندانی می‌شد معلوم نبود که امروز داوری‌ها در پیرامون آن چگونه بوده است ولی ایستادگی و فریفته نشدن به ترفندهای استعمار از او چهره‌ای ساخت که باید با اشراف همه جانبه و با حسن مسئولیت به سخن ایستاد.

زیرا می‌بینم گروهی او را یک قهرمان اسطوره‌ای همچون رابین هود می‌دانند، گروهی دیگر او را یک باجگیر متجاوز، عده‌ای او را یک قدیس ربانی و بعضی نیز او را مردی مزدور دانسته‌اند، گروهی او را یک کارشناس زبده جنگ‌های چریکی و عده‌ای نیز او را یک سیاستمدار دوراندیش و نظریه‌پرداز بزرگ اجتماعی معرفی می‌کنند.

معدودی نیز او را طلبه‌ای ساده و خرافاتی و پای‌بند به استخاره یا تسبیح و سر کتاب می‌دانند که نمی‌دانست چه می‌خواهد و کجا می‌رود.

در فراسوی این گریده‌گویی‌ها و گرافه‌گویی‌ها باید برای ترسیم سیمای واقعی این مرد سر بلند تاریخ آزادی، از ملاک‌های متداول اجتماعی استفاده کرد. بر این اساس و با تکیه بر واقعیات در می‌یابیم که کوچک جنگلی نه یک قهرمان اسطوره‌ای و نه یک سیاستمدار نوین و نظریه‌پرداز و نه یک استراتژ جنگ‌های پارتیزانی بود بلکه باید با او فراتر گذارد و قاطعانه گفت او حتی یک سخنور پُرشور و ناطق شورانگیز نیز نبوده است، آری او فقط یک دانشجوی علوم دینی بود که مطابق سنت متداول زمان در کسوت روحانیت به فراگیری علوم قدیمه در رشت به تحصیل مشغول بود که پس از شنیدن نغمه آزادی، درس و کتاب و لباس و ردا و عبا را رها کرد و از محراب مسجد به میدان پیکار شتافت و در کنار سایر آزادگان گیلی در حمله به تهران برای واژگونی کاخ خودکامگی محمدعلیشاه شرکت کرده بود زیرا تجربه اساس هستی است که از برخورد انسان با واقعیات حاصل می‌شود.

بدین ترتیب شیخ یونس ملقب به میرزا کوچک بدون گذراندن یک دوره نظامی و سیاسی

با همان تجربیات اندک که از رهگذر مبارزات در کمیته‌ستار کسب نموده بود به کار سترک و گران تاریخی دست زد که خاطره آن ارزش آفرین و احترام‌انگیز است واقعیت اینست که ورود در عرصه پیکار و شناساوری در فراختای پر تضاریس سیاست انسان را ناگزیر از ارتباط با مردم و پیوسته به آن می‌کند و مردم نیز در وجه کلی از لحاظ ساختار روانی یک پارچه نبوده و دارای بینش و منش واحد و یکسان نیستند به همین دلیل هر سیاستمدار باید در ایجاد نوع رابطه با مردم بسیار زیرک و باریک‌نگر باشد. زیرا جدائی از مردم نیرومندترین اهرم ناکامی و سهمگین‌ترین مکافات اخلاقی و اجتماعی است زیرکی سیاسی کوچک‌جنگلی در این بود که با شناخت تضاد سیاسی جهانی و ضرورت تغییر چهره جامعه ایران با استفاده از فرصت نهضت جنگل را در یکی از مناسب‌ترین منطقه جغرافیائی و در یکی از حساس‌ترین برهه زمانی از قوه به فعل آورد.

می‌دانیم چهره جامعه ایران تا قرن نوزدهم در وضعی بود که باورهای عاطفی و سنتی و قبیله‌ای بیشتر از احساسات ملی بمعنای تاریخی یا با مفهومی که بعد از انقلاب کبیرفرانسه شناخته شده بود به چشم می‌خورد.

از زمان سلطنت فتحعلی شاه قاجار تا ترور ناصرالدین شاه سیاست استعماری دولت‌های روس و انگلیس تعیین‌کننده مدار سیاست در ایران بود. به همین جهت این قرن در تاریخ به عصر اخذ امتیازات معروف بود. زیرا بیش از بیست امتیاز هر یک از دولت‌های مذکور بعناوین مختلف اخذ نموده بودند. این دو سیاست قهار و جبار با توجه به روانشناسی اجتماعی مدیران جامعه با در اختیار داشتن مشتی رجال دریوزه و زبون و دست‌آموز و دست بوس در مجموع وضعی به وجود آورده بودند که جوانه زدن نهال مشروطیت یکی از مظاهر برجسته آن بود.

یکی دیگر از وجوه بارز این قرن در مقابل این وضع موصوف و منحوس، ظهور و بروز این اعتقاد بود که برای خشی کردن قدرت سیاه و کریم روس و انگلیس باید از قدرت سومی که منافعی در ایران ندارند استفاده شود.

این اندیشه از زمان سلطنت محمدشاه قاجار که ام‌الامراض و مبتلا به خوردن معجون‌ی از تریاک بود. از زمان صدارت میرزا آغاسی درویش دروغین در بخشی از رجال سیاسی آغاز شد، تظاهر خارجی این اندیشه روی آوری به قدرت‌های فرانسه و آلمان و سپس آمریکا بود.

چنین بود که در متن جامعه بیمارما افزون بر رجال روسفیل و انگلوفیل با گروه سیاستمداران ژرمانوفیل و آمریکوفیل نیز مواجه شدیم.

البته گول‌های سیاسی که برای حفظ منافع جهانی خویش در رقابت دائمی بودند گاهی تضاد منافع موجب ظهور تنش‌ها و هیجاناتی می‌شد که در پاره‌ای موارد به نفع کشورهای ضعیف و عقب مانده بوده است که یکی از بارزترین وجه آن در ایران لغو قرار دادهای منحوس ۱۹۰۷، ۱۹۱۵، ۱۹۱۹ بود.

زیرا فرانسه و آلمان و آمریکا با آن مخالف بوده‌اند نه از آن جهت که آنان به منافع ایران نظر مثبت داشته‌اند بلکه به علت عدم برخورداری از ثمره آن که از آن بی‌نصیب شده بودند. در یک چنین شرایط جهانی جنگ اول بین‌المللی (۱۸-۱۹۱۴) آغاز شد و جهان در لهیب آن به آتش نشست. گول‌های قدرتمند اروپا که برای تقسیم جهان به جان یکدیگر افتاده بودند در اتحاد و اتفاق مثلث به صف‌آرایی پرداختند و دنیا را به آتش کشیدند آن سوتر نتایج انقلاب صنعتی انگلیس و انقلاب اجتماعی فرانسه و انقلاب فرهنگی آلمان در قرن نوزده به بار نشسته موجب رشد تکنیک و ظهور صنایع و رشد سرمایه‌داری و افکار اجتماعی شد و جهان با پدیده‌های امپریالیسم و ناسیونالیسم و کاپیتالیسم و سوسیالیسم و امانیسم مواجه شد. در پی این پیشرفت بازارهای جهانی از جمله ایران مورد توجه و هجوم این گول‌ها شد. در این روند رقابت‌آمیز، انگلیس از همه موفق‌تر بود.

رقابت خدعه‌آمیز استعمارگران که بنای مصالح خود گاهی در مقابل هم و زمانی در کنار هم دیده می‌شدند در جهت تضمین مصالح خود به تدابیر سیاسی اقدام می‌کردند، به همین جهت ترکیه که از استقلال‌ظاهری برخوردار بود مورد حمایت آلمان بود و شبه جزیره بالکان اعم از یونان و صربستان و مونته‌نگرو غیره مورد حمایت روسیه و دولت‌های انتانت بود، این روال برای استیلا بر بازارهای چین، ایران، تایلند افغانستان نیز ادامه داشت به ویژه اینکه فوران اولین چاه‌نفت ایران در همین زمان اتفاق افتاد که موجب به جوش آمدن دیگ طمع خداوند آن قدرت شده و آنان را به خروش آورده بود. حاکمیت کاپیتولاسیون روس‌ها را در شمال ایران حاکم مطلق کرده بود و تفنگداران دریایی انگلیس (اس-پی-آر) با نام پلیس جنوب گرداننده امور کشور بود ندای مشروطیت و تقلاهای مشروطه‌خواهان که به هر رنگ و نیرنگ دولت مردان وابسته را بر آریکه قدرت تسجیل کرده بود موجب تشدید آشفستگی و نارضائی شده بود که نمود برجسته آن واقعه غم انگیز پارک اتابک بود که

پیرم خان ارمنی و سردار محیی رشتی و حیدر عمو اوغلی آذری را در مقابل ستارخان و باقرخان سردار و سالار ملی قرار داد به گونه‌ای که به روی هم تیغ کشیدند و همدیگر را به گلوله بستند و بعد اولتیماتوم روس‌ها و در پی آن تحصن آزادی‌خواهان در قم و سپس مهاجرت و تشکیل حکومت ملی به رهبری نظام‌السلطنه مافی در کرمانشاه که وزیر دادگستری آن زنده یاد آیت‌الله مدرس روحانی بی‌باک و صریح لهجه بود.

در پی شکست و فروپاشی حکومت ملی تشکیل کمیته مجازات و آغاز دوره ترور در فضای ایران بود، البته شورش‌ها و عصیان‌های دیگری مانند حرکت ماشاالله‌خان و حسین کاشی در کاشان و شیخ خزعل در خرمشهر و کلنل محمدتقی پسیان افسر رشید و ملی در مشهد و قیام شیخ محمد خیابانی در تبریز و اعتراض سمیتقو در ارومیه و سایر حرکت‌های کم‌رنگ دیگر که بیانگر وضع آشفته و پریشان کشور در آن برهه زمانی بوده است.

یکی از این حرکت‌ها قیام کوچک جنگلی در رشت بود که از نظر عمق و وسعت امیدبخش‌تر و روشن‌بینانه‌تر و طولانی‌تر از همه بود، بهمین جهت گروه‌گروه آزادگان گمنام و بنام اعم از کُرد و تُرک و گیلک و فارس با گرایش‌های مختلف اجتماعی به نهضت روی آوردند و در تقویت آن کوشیدند.

بنیانگذار این جبهه متحده ضد استبداد و ضد استعمار شیخ یونس رشتی بود که عنصری ناراضی از روند مشروطیت بدور از قیل و قال هواداران پُست و مقام و عناوین و القاب ناظری ناآرام در جستجوی راه حل منطقی جهت خاتمه بخشیدن به این غوغاها در تهران می‌زیست. این مبارز ناراضی و آزادیخواه بالاخره پس از ۹ سال تجربه اندوزی و سپری شدن از برقراری مشروطیت تشکیلاتی را سامان داد که عنوان آن اتحاد اسلام بود.

واقعیت اینست که فقر و پریشانی جامعه خمیرمایه حرکت‌های اجتماعی است ولی اگر در این حرکت‌ها فکر و اندیشه روشن برای رسیدن به آرمان دیده نشود، خواه ناخواه با فروکش کردن احساسات یا تشدید آن نهضت در کانال انحراف خواهد افتاد که نهضت را از هدف دور می‌کند به ویژه اینکه می‌دانیم در هر حرکت اجتماعی یا انقلابی سه چیز آفت برجسته و اثرگذار است که عبارتند از نیروهای خارجی و آئین‌های بومی و اعتقادی یا فرهنگ موروثی سوم فردگرایی که متأسفانه این هر سه عامل به نوبت در طول هفت سال حیات نهضت به شیوه‌ها و صور مختلف خود را نشان داد به گونه‌ای که بنظر برخی از پژوهشگران زیرک، یکی از اهم عوامل سقوط و فروپاشی نهضت بوده است، به تصور نگارنده نهضت جنگل

نه یک شورش کور و شتابزده محرومان علیه ستمگران بود و نه یک جنبش دهقانی علیه فئودال‌ها و نه خیزش روشنفکران شهری برای زایش و برپائی عدالت اجتماعی و برقراری یک حکومت سوسیالیستی و نه حتی قیام مسلمانان پارسا برای استمرار یک حکومت الهی بر مبنای آئین مذهبی، بلکه واقعیت و ماهیت نهضت جنگل در بدایت خود یک اعتراض انقلابی و مسلحانه سیاسی علیه حاکمیت وابسته ایران و حامیان خارجی آنان بود که مورد حمایت دینداران روشن بین و روشنفکران عدالتخواه و اصناف و پیشه‌وران آزادی طلب و دهقانان محروم و بی چیز قرار گرفته بود این اعتراض انقلابی و مسلحانه سیاسی در ابتدای حرکت خود فاقد مرام‌نامه و نظام‌نامه بود فقط بطور احساسی و سستی و اعتقادی بر دو اصل نانوشته تکیه داشت که عبارت بود از: استقرار آزادی و حفظ استقلال ایران و دیگر هیچ البته مفهوم آزادی بمعنای فلسفی مخالفت و دوری از هر نوع روحیه و رویه خودکامگی و خود محوری است و استقلال نیز بمعنی فلسفی مخالفت و مبارزه با هر نوع نفوذ بیگانه در ارکان کشور است.

بر این اساس پیشوای نهضت جنگل بنام و تبلور یک نیروی مستقل و آزادیخواه ملی علیه استبداد داخلی و نفوذ عامل خارجی بوده است و پس.

باری نهضت جنگل پس از هفت سال پیکار خونین و پشت سر گذاشتن فراز و فرود بسیار بعلت شتابزدگی و تنگ نظری و افراط گرایی و سستی و فرصت سوزی و عدم فرزاندگی و زیرکی در حرکات‌های سنجیده دست‌خوش اختلاف و افتراق و انشعاب و انشعافی شد که گریز از آن نه تنها لازم بود بلکه از اهم وظایف اخلاقی و انقلابی بوده است در نتیجه بجای نوشیدن شهد پیروزی شرنگ در کام خود و ملت ریختن و چیزی جز اشک و خون و آه حسرت بر جای نگذاشت در فراسوی این نتایج تلخ میرائی که از خود بر جای گذاشت عزت بخش و غرور آفرین است.

این میراث چیزی جز خودباوری و جرأت اقدام و عدم خودباختگی در برابر قدرت و عظمت مشکلات و احساس تعهد و شناخت مسئولیت در پیشگاه ملت و عشق به آزاد زیستن و عدالت خواهی نبود یعنی اصولی که تاریخ ستایشگر آنست.

بدین ترتیب کوچک جنگلی که به رغم واژه کوچک موجد حادثه بزرگ زمان خود شد تجربه ای حماسی و ملی و اخلاقی در گنجینه تاریخ به یادگار نهاد که عبرت آموز و بیدار کننده است.

از آنجا که نسل جوان در پیشبرد و به ثمر رسانیدن حرکت‌های اجتماعی بیشترین نقش ممکن را دارد و پیش‌تاز و پیش‌هانگ همه نیروهای بالنده جهت تغییر چهره جامعه بسوی والائی است. باید از تجارب کافی برخوردار باشد جا دارد صاحبان اندیشه و خرد و فضل و دانش اندوخته‌ها و تجارب خویش را با صمیمیت و اشتیاق در اختیار آنان قرار دهند تا این عزیزان پُرشور بتوانند ضمن تسجیل معنویات و فضایل اخلاقی رسالت تاریخی خود را به نیکوترین وجه بمنصه ظهور برسانند.

زیرا اگر به رهبران اجتماعی تاریخ گذشته مین عزیز ما که از تجارب تاریخی حسن استفاده نکردند ابراد و اشکال وارد هست اگر به روشنفکران ایران بعلت دچار شدن به حس جبن و در مقابل خداوندان زور و قلدری شماتت رواست دیگر شایسته نیست در این مرز زیبا و حساس زندگی با آئینه تجارب و پشت سر گذاشتن حوادث بزرگ باز هم شاهد همان خطایا و لغزش‌ها باشیم. واقعاً دیگر روا نیست باو دیگر در قفس تنگ حرمان با حزن و اندوه خشمگینانه بسوزیم و حسرت و آه سر دهیم.

باید از نو خویش را آزاد کرد در به روی صبح فردا باز کرد

باید از نو عشق را بوئید باز از تمام ریشه‌ها روئید باز

نوشته‌ای که از لحاظ خوانندگان میگذرد بی‌شک از نقائص بسیاری آکنده است ولی امید به آراء صاحبان اندیشه و خرد و آزادگان هوشمند و باریک‌نگر که با ابراز عقاید و آرا سسنجیده و متحقق خویش ضمن ارشاد گنجینه تاریخ را غنا خواهند بخشید مرا در ارائه این نوشته ناچیز تشجیع کرده است.

در اینجا فریضه خود می‌داند از عزیزان آقایان عابدین قاسمیان و سامان خسروی مدیران انتشارات نستوه که با بلند نظری موجبات چاپ و نشر این وجیزه را فراهم آورده‌اند سپاس‌های فراوان خود را تقدیم دارد، همچنین از آقای مسعودعلیزاده که رنج خواندن خط سرپا کج و معوج مرا با شکیبائی خردمندانه تحمل کرده و به شیوه‌ای نیکو تایپ و تصحیح نموده سپاسگزاری نمایم.

در فکر زنده کردن محصول عمرهاست

عمرش دراز باد کسی کاو به روزگار